

شماره اول
صفحه ۳۲
آذر ۹۶

دختر پروژه

بررسی اخلاق زنانه نگر
در دو جامعه مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی

زن ایرانی و تفکر انتقادی
در عصر مشروطه

زنان
و سازمان های بین المللی

زنان در مسیر
توسعه ی خاورمیانه

آیین نکوداشت دکتر
هما زنجانی زاده برگزار شد

امکان های ساخت دموکراتیک
برای گلریز قهرمان و ساره امیری



- ۶ بررسی اخلاق زنانه نگر در دو جامعه مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی
- ۱۰ زن ایرانی و تفکر انتقادی در عصر مشروطه
- ۱۱ زنان و سازمان های بین المللی
- ۱۳ زنان در مسیر توسعه ی خاورمیانه

شناسنامه:

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:
فاطمه مصیبی

دبیر هیات تحریریه:
محدثه جزایی

استاد مشاور:
دکتر روح الله اسلامی (استادیار و عضو هیئت علمی علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)
با تشکر از دکتر مهدی نجف زاده (دانشیار و عضو هیئت علمی علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)

هیات تحریریه:
فاطمه مصیبی، ابوالقاسم شهریاری، محدثه جزایی، علی باغدار دلگشا، زهرا اکبری، هاشم منیری، الهه طیبی، فاطمه علیزاده، ذبیح الله جعفری، فاطمه نباتیان، علیرضا خسروزاده

همکاران این شماره:
خدیدجه کارگر اسفندآبادی، محمد حسین دهقان، سهیلا رخشانی، نفیسه یراهی، محمد تربت زاده، زهرا جعفری، منیره شفیقی، محمد کلویی، محدثه غلامپور، عاطفه مطلبی، خانم فاطمه ذوالفقاری

عکاس:
مریم رحیم زاده

عکاس تصویر روی جلد:
نیلوفر طهماسبی

طراحی جلد و صفحه آرایی:
احمد احمدی

رایانامه: irandokht.fum@gmail.com

پایگاه اینترنتی نشریه: Sanad.um.ac.ir

شماره تماس: ۰۹۰۱۹۸۵۱۴۰۱

شماره مجوز:
۹۶۲۲۵۴ از دانشگاه فردوسی مشهد

سر مقاله

سخن سردییر

فاطمه مصیبی

“هر چند که ما در نشریه ی
ایراندخت از مسائل زنان سخن
خواهیم گفت اما هیچگاه به دنبال
ایجاد زنانگی نخواهیم بود.”

هر چند که ما در نشریه ی ایراندخت از مسائل زنان سخن خواهیم گفت اما هیچگاه به دنبال ایجاد زنانگی نخواهیم بود و معتقدیم که جامعه به هر دو جنس زن و مرد به صورت مکمل نیاز دارد و کنار زدن هر کدام به معنای به عقب راندن جامعه در مسیر توسعه خواهد بود. بنابراین زن و مسائل زنان را در چارچوب بخش های اندیشه، بین الملل، دین، مسائل فرهنگی، حقوقی و اجتماعی بررسی خواهیم کرد.

به امید آگاه شدن انسان ها از امکانات، توانمندی ها، حقوق و تکالیف خود و عقلانی شدن زنان و مردان و در نهایت به امید توسعه ی ایران

هر چند که ما در نشریه ی ایراندخت از مسائل زنان سخن خواهیم گفت اما هیچگاه به دنبال ایجاد زنانگی نخواهیم بود و معتقدیم که جامعه به هر دو جنس زن و مرد به صورت مکمل نیاز دارد و کنار زدن هر کدام به معنای به عقب راندن جامعه در مسیر توسعه خواهد بود. بنابراین زن و مسائل زنان را در چارچوب بخش های اندیشه، بین الملل، دین، مسائل فرهنگی، حقوقی و اجتماعی بررسی خواهیم کرد.

به امید آگاه شدن انسان ها از امکانات، توانمندی ها، حقوق و تکالیف خود و عقلانی شدن زنان و مردان و در نهایت به امید توسعه ی ایران.

یکی از شاخص های توسعه در هر جامعه ای، زنان هستند. زنان نیمی از جمعیت یک کشور را تشکیل می دهند. بنابراین هر چه مشارکت و حضور زنان در اجتماع فعال و تاثیر گذارتر باشد، آن جامعه به مفهوم توسعه نزدیک تر خواهد شد. زنان نه فقط در ایران بلکه در همه ی کشورها از فرایندهای توسعه حذف شده اند و با حاشیه راندن آنها تعادل جامعه به هم ریخته است. امروز زنان با افزایش آگاهی و گسترش آموزش عالی توانسته اند توانمندی های خود را در زمینه های مختلف از جمله عرصه های علمی، ادبی، ورزشی، هنر و حتی عرصه های مدیریتی به نمایش بگذارند و این، به این معناست که دیگر نمیتوان زنان را در حاشیه مناسبات سیاسی- اجتماعی نگاه داشت و اکنون آن ها خواهان موقعیت های بهتر در جامعه هستند. و ایجاد چنین نگرش هایی در جامعه نیازمند آگاهی، آگاهی و آگاهی است. بهترین راه آگاه شدن، خواندن و سپس ارائه ی خواننده ها به دیگران است و بهترین نوع بیان کتب و نشریات هستند. نشریات به صورت محدود در حوزه ی زنان در سطح جامعه چاپ می شوند و شاید این به دلیل عدم درک اهمیت مسئله ی زن در ایران است. ما بر آنیم تا با نشریه ی ایراندخت گامی در جهت آگاهی بیشتر در حوزه ی زنان برداریم تا علاوه بر درک و شناخت مسائل زنان به اهمیت و مشکلات این حوزه نیز بپردازیم. مسأله از قبیل: ۱- جامعه ی سنتی و مردم محور ایران ۲- قوانین، سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های دولت در سطح کلان ۳- خانواده، رسانه و آموزش و پرورش ۴- و آخرین و مهم ترین عامل که خود زنان هستند. در واقع زنان و دختران باید به این باور رسیده باشند که اثر گذار هستند و شایستگی لازم را دارند.

آیین نکوداشت دکتر هما زنجانی زاده برگزار شد

فاطمه ذوالفقاریان
کارشناسی ارشد علوم سیاسی

آیین نکوداشت دکتر هما زنجانی زاده، استاد پیشکسوت گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی به همت مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه و با همکاری بنیاد ملی نخبگان استان خراسان رضوی، جهاد دانشگاهی خراسان رضوی، انجمن جامعه شناسی ایران شاخه خراسان، اداره امور اسناد و کتابخانه آستان قدس رضوی و همچنین گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، روز چهارشنبه، ۲۶ مهرماه در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی برگزار شد.

در ابتدای این مراسم دکتر هاشمی، معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه با بیان اینکه این بزرگداشت برای همای جامعه شناسی ایران برگزار شده است، گفت: ایشان شناخت کافی از هنر و زبان دارند و این خصیصه در بین دیگر استادان جامعه شناسی کاملاً مشهود است.

وی با بیان اینکه کارنامه زن ایرانی درخشان است، اضافه کرد: زنان در کشور ما در زمینه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی بسیار فعال هستند و برگزاری نکوداشت برای یک زن موفق ایرانی می تواند الگوی خوبی برای دیگر زنان و دختران ایرانی باشد.

دکتر احمدی زاده، رئیس بنیاد نخبگان خراسان رضوی که حامل پیام دکتر ستاری، معاون علمی فناوری رئیس جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان بود، در خصوص کمک و مشارکت بنیاد ملی نخبگان در برگزاری چنین بزرگداشت هایی گفت: بنیاد بسیار خرسند است که در کنار دانشگاه فردوسی مشهد به عنوان مهد علم و تربیت، به برگزاری چنین مراسم هایی که ارتباط با نسل جوان و فرهیخته دانشگاه را افزایش می دهد، حضور دارد.

وی تکریم این بزرگان و مفاخر دانشگاه را احترام به خود عنوان کرد و ادامه داد: وقتی برای یکی از بزرگان و نام آوران کشور مراسم نکوداشت برگزار می کنیم، با این کار به هویت خودمان احترام گذاشته ایم.

رئیس بنیاد ملی نخبگان با اشاره به اینکه خانم دکتر زنجانی زاده بیش از ۴ دهه شاگردپروری کرده اند، یادآور شد: عملکرد ایشان نشان می دهد که به عنوان جامعه شناس ارتباط موثری با جامعه برقرار کرده اند و استقبال خوب دانشجویان از ایشان موید این مطلب است.

وی دکتر زنجانی زاده را یک بانوی موفق ایرانی دانست و اضافه کرد: ایشان علاوه بر اینکه معلمی دوست داشتنی و دلسوز بودند بلکه در نقش خانواده نیز همانند مادری نمونه و همسری فداکار نقش خانوادگی خود را انجام داده اند.

در ادامه دکتر میرزایی، مدیر گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، به علاقه وافر دانشجویان به دکتر زنجانی زاده اشاره کرد و یادآور شد: در زمانی که ارائه مباحث جامعه شناسی به ویژه در حوزه زنان، کاری سخت بود و جامعه آماده و بازی برای این مباحث نبود، دکتر زنجانی زاده با تلاشی ستودنی کوشید جدا از تدریس در دل دانشجویان نیز نفوذ کند و آموزش را با عمل همراه سازد.

دکتر ساکت، رئیس مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه نیز در این مراسم با بیان اینکه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد قدیمی ترین دانشکده این دانشگاه پرافتخار است، گفت: کافی است فهرست بلند و پرآوازه استادان و دانش آموختگان این دانشکده را در نظر آوریم تا تعداد بیشماری از نام های بزرگ و سرشناس را پیش روی خود ببینیم.

وی خانم دکتر زنجانی زاده را یکی از افراد برجسته دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانست که نزدیک به چهار دهه از بهترین سال های عمر خود را در دانشگاه سپری کرده و علاوه بر تربیت شاگردان فرهیخته و پژوهشگران بنام، آثار علمی ارزنده در حوزه های تخصصی علوم اجتماعی داشته است.

دکتر ساکت با اشاره به اینکه مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه در دوره جدید فعالیت خود، نکوداشت استادان برجسته دانشگاه را در اولویت کاری قرار داده است، یادآور شد: مرکز به خود می بالد که نخستین نکوداشتی را که برای یکی از بانوان فرهیخته دانشگاه برنامه ریزی کرده، به خانم دکتر زنجانی زاده اختصاص داده است. او جدیت، نظم، دقت، وسواس علمی، کوشایی و خستگی ناپذیری را تنها شمار اندکی از ویژگی های این استاد برجسته دانست که در ذهن و قلب دانشجویانش نقش بسته است.

دکتر حسینی، معاون سیاسی، اجتماعی استانداری خراسان رضوی و از شاگردان خانم دکتر زنجانی زاده نیز در این مراسم با بیان اینکه در کلاس های دکتر، ما تنها درس جامعه شناسی نمی گرفتیم خاطر نشان ساخت: ما در کلاس های خانم دکتر، درس زندگی آموختیم و با او انسانیتمان را بازتولید کردیم و بر داشته های زندگی مان می افزودیم.

وی با بیان خاطراتی از کلاس های درس دکتر زنجانی زاده به جدیت و سخت کوشی دکتر زنجانی زاده اشاره کرد و گفت: ایشان همواره به دانشجویانش اعتماد به نفس می داد و این قدرشناسی دانشجویانش نشان از این دارد که ایشان در تمام زندگی شاگردانش جاری است.

سخنران پایانی این مراسم خانم دکتر زنجانی زاده بود که با اشاره به زندگی شخصی خود گفت: من فرزند رنج هستم و به عنوان یک کنشگر با خیلی چیزها مبارزه کرده ام که جایگاه امروز من، نتیجه کوشش هایی است که در آن روزها انجام دادم.

وی با بیان اینکه رشته لیسانس خود را به زور انتخاب کردم گفت: آن رشته برایم وسیله ای بود که مرا به هدفم نزدیک می کرد و وقتی رشته زبان انگلیسی را تمام کردم و در دانشسرای عالی در تهران شاگردی آریان پور را تجربه کردم و اینها همه وسیله ای شد که به عنوان فرزند یای خانواده در تهران، فوق لیسانس علوم اجتماعی خواندم.

دکتر زنجانی زاده جامعه شناسی را علمی دانست که با تمام علوم سر و کار دارد و اضافه کرد: من امروز با اینکه حسرت تحصیل در رشته معماری را دارم، خوشحالم که علوم اجتماعی خواندم و نتیجه ای که از زندگی گذشته خود دارم این است که هر وقت با مواعی روبرو شدید، به عنوان کنشگر اجتماعی با مشکلات مبارزه کنید.

رونمایی از کتابچه نکوداشت استاد هما زنجانی زاده و لوح فشرده گزیده ای تصویری از احوال و آثار هما زنجانی زاده و اهدای هدایا از سوی واحدهای دانشگاهی و نهادهای برون دانشگاهی پایان بخش مراسم بود.

وی برگزاری این نکوداشت و دیگر مراسم مشابه را برای ارج گذاری به کوششها و دستاوردهای علمی و فرهنگی استادان برجسته و تاثیرگذار دانشگاه دانست و اظهار کرد: این مراسم می تواند الگویی برای نسل جوان و آینده ساز ایران باشد.

رئیس مرکز آثار مفاخر و اسناد دانشگاه به چاپ ویژه نامه برای این مراسم نکوداشت اشاره کرد و ادامه داد: اهمیت این نوع آثار در حفظ و ضبط تاریخ شفاهی دانشگاه و به تبع آن بخشی از تاریخ آموزش عالی ایران است.

در ادامه مراسم دکتر سراج زاده، رئیس انجمن جامعه شناسی ایران و دانشیار دانشگاه خوارزمی با اشاره به اینکه خانم دکتر زنجانی زاده از سال ۱۳۷۰ با انجمن جامعه شناسی ارتباط داشته اند، گفت: ایشان در شمار اساتیدی هستند که در حصار محدود دپارتمان و دانشکده و شهر خود باقی نماندند و توانستند با اجتماع علمی ارتباط برقرار کنند.

وی با بیان اینکه دختران دانشجوی ما امروزه سهم خود را در عرصه آموزش عالی و کسب شغل گرفته اند، یادآور شد: خانم دکتر زنجانی زاده در طول زندگی پربار خودشان تلاش های ارزنده ای برای آگاهی زنان و دختران ما متقبل شده اند که امیدواریم با حفظ ارتباط ایشان با دانشگاه این آگاهی بخشی ادامه دار باشد. دکتر ارشاد، استاد بازنشسته گروه علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز نیز در ادامه با مخاطب قرار دادن جوانان گفت: برگزاری جلسات اینچنینی به این معنی است که معیارشناسی هیچ گاه از اعتبار نمی افتد و کارها و خدمات صادقانه هیچ گاه از یاد و خاطره نخواهد رفت.

وی با اشاره به اینکه ادبیات ایران و خصوصاً خراسان بزرگ به معیارمندی بسیار اهمیت می دهد، یادآور شد: خانم دکتر زنجانی زاده نه بخاطر ایشان و خودم، بلکه بخاطر جامعه ام تقدیر از زحمات ایشان را لازم و ضروری می دانم.

خانم دکتر رضوی زاده، عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی مشهد نیز در این مراسم با تقدیر از دست اندرکاران مراسم و همچنین دانشجویان قدیمی دکتر زنجانی زاده، به سبک زندگی و سبک ایفای نقش دکتر زنجانی زاده اشاره کرد و گفت: ایشان بسیار جدی و قاطع بودند و هیچ گاه نقش بروکراتیک و نمایشی با دانشجویان برقرار نمی کردند و همیشه در نقطه بهینه ارتباط با دانشجویان قرار داشتند.

وی با بیان اینکه خانم دکتر زنجانی زاده خودشان را زندگی می کردند، ادامه داد: ایشان همیشه معناهای خودشان را خلق می کردند و معیار خودشان را داشتند و همیشه رویاهای اصیل خودشان را دنبال می کردند و داشتن سلامت نفس در زمینه آموزش و پژوهش از دیگر ویژگی های شخصیتی ایشان بود.

بررسی اخلاق زنانه نگر در دو جامعه مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی



سیدهاشم منیری
دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی

مقدمه

اخلاق و مسائل اخلاقی، از جمله موضوعاتی است که فصل مشترک بین انسان‌ها با یکدیگر و نیز افراد و سایر پدیده‌ها ارتباط پیدا می‌کند. در عصر مدرن، همه چیز و همه کس نسبت به یکدیگر دارای حق و وظیفه‌اند و در این میان زنان، به عنوان نیمه‌ای دیگر از جمعیت، این فرصت را بازیافتند تا صدای خود را در میان فرهنگ و «گفتمان مردانه» منعکس نمایند و مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را از دریچه دیگری مورد بررسی قرار دهند. اینک؛ با گذار از جامعه سنتی پدرسالارانه و ورود به جهان پسامدرنیته، دیگر هیچ امری خصوصی نیست بلکه با دگرگونی فضای اجتماعی و جابجایی مسائل و مسئله‌های متنوع و متعدد پیش روی؛ هر امری، سیاسی است. در این رابطه، اخلاق نیز با ورود در عرصه اجتماعی تفاوت/تشابه بین زن و مرد را به میان می‌آورد و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا اخلاق، ماهیتی جنیستی دارد و یا اینکه اخلاق بین زن و مرد، مشترک است. آیا ما می‌توانیم اخلاق را به دو دسته زنانه و مردانه تقسیم کنیم؟ این مقاله قصد دارد با بررسی چیستی و چگونگی اخلاق به همانندی و ناهمانندی آن در دو جامعه مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی بپردازد و نقاط اشتراک و افتراق آن را مورد واکاوی قرار دهد.

۱ چِستی اخلاق

درواقع «باید» از «است» اخذ نمیشود. اما پرسشی که همیشه فلاسفه اخلاق در آن به مذاقه می پردازند این است که امکان یا امتناع یک امر اخلاقی را چگونه تشخیص دهیم. آیا به کمک «عقل»، «فرامین الهی» یا از طریق «شهود» عینی؟ آیا اصولی وجود دارد که فارغ از زمان و مکان برای کلیه افراد جامعه بشری یکسان و قابل اجرا باشد؟ یا اینکه اخلاقیات «زمینه مند» اند و بسته به فرهنگ، مذهب و سیاست؛ متکثر و متنوعند؟ در ادامه دو برداشت از مفاهیم اخلاقی زنانه گردر دو نظام سیاسی مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی را مورد بررسی و واکاوی قرار خواهیم داد.

Ethics شاخه ای از فلسفه است که با تفکر فلسفی درباره اخلاق، مسائل اخلاقی و احکام اخلاقی سر و کار دارد و با طرح نظریه های هنجاری که به مسائل مربوط به آنچه «درست» یا «باید» انجام شود؛ کمک می کند. ادر وجهی دیگر، مفاهیم درست و نادرست، با دو مسئله «انتخاب» و «فعل خودمختار» همبستگی قابل توجهی را نشان می دهد آنجا که افراد بر سر دوره ایهای زندگی باید نسبت به آن تصمیم بگیرند و دست به انتخاب بزنند و این انتخاب نیز باید نه از سر «اجبار» و «اطاعت»، بلکه آگاهانه و اختیارگرانه باشد. فقط در این صورت است که فعل ما از ماهیتی اخلاقی برخوردار میشود. چون صرف امور واقع نمیتواند موجد نوعی استدلال درست مبتنی بر علم اخلاق باشد. اینکه چیزی مقبول جامعه باشد به خودی خود باعث درست یا برحق بودنش نیست.

۲ اخلاق زنانه نگر در مردم سالاری دینی

یعنی به آنچه شما می‌توانید به طور بالفعل انجام دهید. (دستیابی به پتانسیل، نه فقط داشتن پتانسیل)^۲
مذهب و نظام دینی مردمسالار، این چارچوب را در گستره‌ای از موضوعات برای زنان تعریف و مشخص نموده است. در چنین جامعه‌ای جایگاه دستگیری به کنترل زندگی و انجام انتخابهای عقلانی برای خود؛ در راهبردی اسلامی و الهی معلوم و مشخص شده است. خود والای و خود نازل‌تر و اولویتهای برآمده از آن، اهداف زندگی را برای بهزیستن فراهم می‌کند و به آزادی «حقیقی» نزدیکتر میسازد. اما در نظام لیبرال دموکراسی که در آزادی سلبی نمایان است، چنین نیست.

جامعه انسانی و نظامهای سیاسی برآمده از آنان، انباشته ای از اندیشه ها، آداب و قواعدی اند که در طول چندین نسل بریکدیگر بار شده اند و سنتی را پدید آورده اند که دگرگونی در آن مشکل و شاید تغییرناپذیر باشد. «مفاهیمی» که از قدرت و نفوذ چشمگیری در تار و پود اجتماع کل بشری درهمنتهیده شده است. اما مشکل از آنجا آغاز می شود که ما «برداشت»ها را بر جای «مفاهیم» قرار دهیم و نسبت به برداشت های دیگران در درستی و نادرستی و به خوب یا بد بودن اش اصرار ورزیم. «آزادی» یکی از مفاهیمی است که با برداشتهای متکثری همراه است و هر نظام یا مجموعه سیاسی نسبت به آن واکنش نشان میدهد. یکی از مسائل اساسی اخلاق نیز، مسئله آزادی است که با «مسئولیت اعمال» توأمان میگردد. در جامعه دینی مردم سالار، آزادی من تا آنجاست که محرمات فرامین الهی و قوانین و قواعد نظام اسلامی را نقض نکنم و نسبت به اعمال ام مسئولیت داشته باشم. اگر به زبان «آیزایا برلین» ای سخن بگوییم، در نظامهای دینی، آزادی، از نوع «آزادی ایجابی» است.

۲ اخلاق زنانه نگر در نظام لیبرال دموکراسی

«فرد» و «انتخاب»، به عنوان دو مفهوم اصلی نظامهای لیبرال دموکراسی، از چنان وجاهتی برخوردار است که تخلف از آن به مثابه تخلف از مبانی «حقوق بشر» ای است. در جامعه اسلامی اگرچه افراد از کرامت و شایستگی اخلاقی برخوردارند، اما در مفهومی به عنوان «امت واحده» متشکل شده اند. ولی در لیبرال دموکراسی؛ افراد، به مثابه اتم‌های جدا از هم، تنها و مستقل از یکدیگر حضور دارند و در واقع، فرد مقدم بر جامعه است و «حق» بر «خیر» اولویت دارد. حق‌ها، مستقل از «خیر» وجود دارند و از پیش فردیت یافته اند.

اگر دوباره به زبان «آیزایا برلین» ای سخن بگوییم، در اینجا «آزادی سلبی» حکفرمایی می‌کند و آزادی و مسئولیت اعمال مان تا جایی است که موانعی چون مفاهیم متافیزیکی و الهی و غیره گستره اعمال و انتخاب مان را محدود نکند. زنان در جوامع لیبرالی بر سیاق چنین مکتبی، از گستره بسیار زیادی از آزادی برخوردارند که راه و روش زندگی خود را از نوع پوشش تا مهمترین مسائل زندگی فرد و جامعه را دربرمیگیرد. اما نکته اساسی در تفاوت بین جامعه مردم سالار و لیبرالی، در همین «روش زندگی» است. مسائل اخلاقی تا جایی است که به دیگران آسیبی وارد نسازد و آزادی دیگران را تحت تأثیر خود قرار ندهد. موضوعاتی چون «هرزه نگاری»، «سقط جنین»، «همجنس‌خواهی» و غیره بنا به قانون «آزادی بیان»، «آزادی بدن» و «آزادی بیان» اگر چه مورد «تأیید» نیست، اما موانع و محدودیتی نیز بر آن مشاهده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

اخلاق جزو مسائلی است که ما را در انتخاب دوره‌های‌ها کمک می‌کند و به «درست» و «نادرست» و به «خوب» و «بد» بودن می‌پردازد. در دو نظام مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی، ما با دو نوع برداشت اخلاقی زنانه نگر مواجهیم که بر مفاهیمی استواراند که یکی ریشه در فرامین الهی و مذهبی دارد و دیگری از قانون و قواعد جامعه برگرفته شده است. این دو نظام، اگرچه در اصول کلی نظیر دروغ، زنا، قتل، دزدی، مشترک‌اند و اتفاق نظر دارند اما در فرعیات دارای افتراق‌اند و موارد ضد و نقیضی از هر کدام مشاهده می‌کنیم. به دیگر سخن، این دو، در روش زندگی، و نیز امکان و امتناع «عقل» در «انتخاب» مسائل اخلاقی، فرهنگ جامعه، آداب و رسوم نقش پررنگی را به عهده می‌گیرند و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد اخلاق با «زمینه‌مندی» و «تکنتر»ی از آن روبروست که یکی از وجوه آن به اخلاق زنانه نگر مربوط می‌شود

منبع:

- ۱- ویلیام کی. فرانکنا، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، چاپ چهارم، ۱۳۹۳، قم: طه، ص ۲۷.
- ۲- آیزایا برلین، چهارمقاله درباره آزادی، ترجمه محمداعلی موجد، ۱۳۶۸، تهران: خوارزمی، صص ۲۲۲-۲۰۵.

(زنان)

نیمه پنهان جامعه



خدیجه کارگراسفندی
دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد،
واحد کرج، گروه علوم سیاسی

حضور زنان ایران در رویدادهای سیاسی انقلاب مشروطه و همچنین انجمن های زنانه در حالی شکل گرفت که در منطقه خاورمیانه و حتی برخی از کشورهای اروپایی چنین رویداد خودجوشی سابقه نداشت و امری غیر معمول بود.

بدون تردید مردان تنها نقش آفرینان صحنه ها و رویدادهای جامعه نیستند بلکه نقش زنان نیز در این صحنه ها و رویدادها بی بدیل و غیرقابل انکار است. در تاریخ کشور ما به خصوص از انقلاب مشروطه تاکنون در تمامی رویدادها و حوادث مهم تاریخی و اجتماعی نه تنها مردان هیچ گاه از حضور زنان زیان ندیده اند، بلکه بسیاری از موفقیت های خود را مدیون پشتیبانی آنان هستند. این امر در انقلاب اسلامی نیز کاملاً مشهود است.

این چند سطر بر آن بود تا بیان کند؛ نه تنها در ایران، که در تمامی مناطق جهان ورود زنان به صحنه سیاست از جلوه های مدرنیته و پدیده ای نوظهور است. آن چه که در صحنه سیاست به صورت قاعده بوده، دوری و کناره گیری تاریخی زنان از سیاست است و عموماً قدرتمندان یعنی مردان به نگارش تاریخ می پرداخته اند و به همین خاطر فعالیت های سیاسی زنان به کتابهای تاریخ چندان راه نمی یافته است و بایست توجه داشت که یک دست صدا ندارد.

یکی از شاخص های سنجش توسعه در کشورهای دموکراتیک میزان حضور و نقش زنان در کلیه فعالیت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی است. هرچند توجه بیش از حد به این امر ممکن است موجب سست شدن بنیان خانواده ها گردد؛ اما بی اعتنایی و یا کم توجهی به مطالبات منطقی و حداقلی نصف جمعیت کشور و محدود و محصور کردن آنها به خانه و خانواده و یا مشاغل صرفاً غیرستادی یقیناً پیامدهای ناخوشایند و زیان باری برای کشور خواهد داشت و اگر امروز برنامه ریزی درستی برای دختران و زنان تحصیل کرده و متخصص کشور انجام نگیرد و برای آن ها کمترین سهم و نقشی در اداره سیاسی کشور قائل نگردیم، ممکن است در آینده شاهد نارضایتی ها، ناهنجاری ها و طغیان های اجتماعی و سیاسی ناگواری باشیم؛ طغیان هایی که حتی بنیان های خانواده را که دغدغه اصلی حوزه های سیاسی و مذهبی امروز است، به شدت آسیب خواهد رساند. به عبارتی میتوان گفت: در طول تاریخ ایران، زنان همواره از کسب موقعیتی متناسب شان و توانایی های شان محروم مانده اند. پرده نشینی و حضور کم رنگ در جامعه از یک سو و حاکمیت همه جانبه مردان از دیگر سو، از جمله مهم ترین عوامل این محرومیت تاریخی بوده است. وقتی انقلاب مشروطیت بنیان گرفت، زنان معترض از نخستین روزها بخش جدایی ناپذیر این نهضت جدید بوده اند. تظاهرات زنان چه به صورت گروه جداگانه و چه در همگامی با مردان و تشریک مساعی با آنان از ویژگی های انقلاب بود.

زن ایرانی

و تفکر انتقادی در بخش اول عصر مشروطه



علی باغدار دلگشا
دانشجوی دکتری رشته تاریخ

در این بین پرسش اصلی این است که زن ایرانی با استفاده از ساختار تفکر انتقادی (شناخت به منظور تغییر)، اصلی‌ترین مطالبه اجتماعی‌اش در دوره مشروطه به عنوان نخستین دوره یا مهم‌ترین دوره تجددگرایی در جامعه ایران چه مسأله‌ای می‌باشد؟ و آیا زنان در این دوره توانستند جامعه تحققی بر مطالبات خود بیوشانند؟ با ساختار تفکر انتقادی چگونه آشنایی پیدا کردند و چگونه آن زمینه‌های آشنایی با آن را برای دیگر زنان جامع ایران فراهم آوردند؟ در پاسخ به پرسش‌های مذکور باید اشاره داشت، مهم‌ترین مطالبه اجتماعی زنان در این دوره مسأله حق تحصیل و ایجاد مدارس دخترانه است. مطالبه‌ای که با قرار گرفتن در ساختار مطالبات آموزشی در دوره مشروطه توسط زنان چون بی بی خانم وزیرف، شهرناز رشدیه و بسیاری زنان دیگر مطرح شده است. زنان با نگارش و نامه‌نگاری‌های متعدد در مطبوعات مشروطه و استفاده از آیات و روایات دینی به همراه استفاده از پیشینه حضور اجتماعی زنان در عرصه‌های تاریخی به طرح مطالبات اجتماعی خود پرداخته و با تأکید بر نقش مادری، اهمیت سواد مادر در تربیت فرزندان و ارتباط سواد آموزی زنان با مسأله توسعه فرهنگی در جامعه، اهمیت مطالبات خود را تشریح می‌نمودند.

طرح مطالبات اجتماعی زنان در مطبوعات که در دوره کشرطه مهم‌ترین و پر مخاطب‌ترین منبع اطلاع رسانی نیز به حساب می‌آمدند، خود را در قالب طرح و مطالباتی چون: ایجاد مدارس نسوان، حقوق برابر اجتماعی با مردان، مسأله ایجاد محدودیت برای موضوع تعدد زوجات، لغو محدودیت‌ها و محرومیت‌های حضور در جامعه، تلاش برای ایجاد انجمن‌ها و پارلمان‌های زنان و بسیاری مطالب دیگر مطرح شده است.

عصر مشروطه (۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ش-۱۳۲۹ق/۱۲۸۹ش) را می‌توان نخستین دوره حضور اجتماعی زنان ایرانی به معنای ظاهر شدن در صحنه‌های متفاوت جامعه و طرح مطالبات اجتماعی جنس زن دانست. مطالباتی اجتماعی که خود را در چهار حوزه مطالبات آموزشی، مطالبات سیاسی، مطالبات اقتصادی و مطالبات حقوقی از زبان زنان ظاهر ساخته‌اند. امری که باعث طرح درخواست‌ها و مطالبات اجتماعی زنان در ساختارهای بسته، سنتی و مردمدارانه دوره قاجار گردید. در این دوره، فرهنگ جامعه ایرانی با فرهنگ برخی جوامع آسیایی مانند ژاپن، مصر و فرهنگ برخی جوامع غربی چون فرانسه و انگلستان روبه‌رو می‌شود و تغییرات و تحولاتی گسترده در رابطه با وضعیت اجتماعی زنان ایرانی ایجاد می‌گردد. تغییراتی که در قالب گفت‌وگو، تفکر انتقادی در معنی شناخت برای تغییر خود را نمایان ساخته است. تحلیل مسأله بررسی مطالبات اجتماعی زنان نیز با استفاده از نگرش «تاریخ از پایین» و نقش تاریخ اجتماعی به خصوص پرداختن به زنان به عنوان نیمه فراموش تاریخ، قابل پردازش است. نیمه‌ای دیگر که گفت‌وگو مردمدار جامعه ایران آن را در قالب جنس دیگر، جنس دوم یا جنس ضعیف مورد تعریف قرار داده بود. تعریفی که برای نخستین بار با انتقادهای جدی زنان تجددخواه و مطالبه‌گر مواجه شد:

چو قانون بر زنان مردان نوشتند
ستم کردند و نامش داد،
کردند اگر قانون گذاری با زنان بود
به دیگر گونه قانون جهان بود.

زنان و سازمان‌های بین‌المللی



زهرا اکبری
کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل

در این شاخه، زنان سازگارتر، حساس‌تر، روشن‌بین‌تر و پرورش‌یافته‌تر از مردان هستند. با وجود این صفات مزبور، یا در اثر بی‌توجهی به زنان در تحلیل راجع به سیاست بین‌الملل یا از رهگذر عدم مداخله‌ی آن‌ها در سیاست بین‌الملل به عنوان عوامل کم‌اهمیت تلقی می‌شوند. شاخه‌ی دیگر فمینیسم، یعنی فمینیسم پساتجددگرا، برای توصیف روابط بین‌الملل از زبان برگرفته از جنسیت یا مفاهیم جنسیتی بهره می‌گیرد. افزودن جنسیت یا زنان به عنوان مقوله‌ی تحقق جهت دفع جهت‌گیری مبتنی بر جنسیت بدان گونه که اغلب به عنوان قربانیان ظاهر می‌شوند، کافی نیست. از این رو، بسیاری از فمینیست‌ها در گستره آثار سوء بر زنان و کودکان از خصائص زنان بهره می‌گیرند که مسئولیت‌ها و توقعات مبتنی بر جنسیت را در خصوص این که چه کسانی باید تحت حمایت قرار گیرند، تقویت می‌نماید. فمینیسم پساتجددگرانه تنها اساس روابط بین‌الملل بلکه روش‌های تحقیق آن را نیز به چالش می‌کشد. این شاخه‌های فمینیستی سنتی، نوین و مدرن، علی‌رغم تفاوت‌هایی که دارند، معتقدند که، که در رشته‌ی روابط بین‌الملل آگاهی جنسیتی وجود ندارد. زنان رسماً از این رشته حذف شده‌اند. فمینیست‌ها بر آن‌اند که ویژگی جهان عبارت است از وجود سلسله‌مراتب جنسیتی که به زبان زنان است و این وضعیت باید زیر سؤال برود، ریشه‌های تاریخی و وضعیت موقتی و مشروط آن نشان داده شود، و راه برای تغییر هموار گردد. بر این اساس، همه‌ی نظریه‌ها و مفهومی‌بندی‌های فمینیستی، به نوعی در خدمت واژگون‌سازی است که موقعیت نسبی و جانبدارانه‌ی مواضع گفتمان پدرسالارانه را به رغم دعوی بی‌طرفی ظاهری آن نشان می‌دهد.

امروزه بحث در خصوص سازمان‌های بین‌المللی به عنوان یکی از مباحث مهم در حوزه‌ی روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است و حتی مطالعه‌ی سازمان‌های بین‌المللی به عنوان یک شاخه فرعی و یک رشته مجزا در محافل آکادمیک مطرح شده است. پژوهش‌گرانی که به مطالعه‌ی سازمان‌های بین‌المللی به عنوان یک واقعیت مهم نظام بین‌الملل می‌پردازند، عمدتاً با رهیافتی توصیفی و تاریخی به مطالعه‌ی این مفهوم می‌پردازند، به گونه‌ای که تاریخچه‌ی تشکیل سازمان‌های بین‌المللی، وظایف سازمان‌های بین‌المللی، طبقه‌بندی سازمان‌های بین‌المللی و محدودیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و... را مورد مطالعه قرار می‌دهند و به مبانی نظری و جایگاه این مفهوم در نظریات روابط بین‌الملل نمی‌پردازند. در این پژوهش تلاش می‌شود، جایگاه سازمان‌های بین‌المللی در درون رهیافت فمینیستی (یکی از نظریه‌های مهم روابط بین‌الملل)، مورد ارزیابی قرار گیرد.

رهیافت نظری فمینیسم به روابط بین‌الملل با یک لحن سخن نمی‌گوید، و دارای اقسام متعدد می‌باشد. شاخه‌ی اول یا فمینیسم سنتی، مردان و زنان را اساساً برابر می‌داند و هرگونه عدم برابری را به کم‌رنگ شدن مقوله‌ی جنسیت نسبت می‌دهد. بدین ترتیب، دخالت دادن زنان در نقش‌هایی که معمولاً مردانه هستند، باعث زوال برداشت‌های عقایدی می‌شود که بر مبنای جنسیت‌اند. در بین شاخه‌های دیگر فمینیسم، شاخه‌ای موسوم به فمینیسم نوین وجود دارد که به صفات زنانه شجاعت و تهور خاص می‌بخشد. این فمینیست‌ها که به عنوان فمینیست‌های ماهیت‌گرا شناخته می‌شوند، بر آن‌اند تا تفاوت‌های بیولوژیکی بین مردان و زنان را حاصل تفاوت‌های مبتنی بر جنسیت بدانند.

سازمان‌های بین‌المللی دولتی و سازمان‌های غیردولتی به عنوان گروه‌های داخلی کار کرده، و بر حکومت‌ها و دیگر ساختارهای سازمانی به منظور مورد توجه قرار دادن جهت‌گیری‌های مردمنشانه‌ی پنهان و در نظر گرفتن موضوعات فمینیستی و مسائل زنان فشار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وارد می‌آورند.

منابع:

- ۱- پیس، کلی-کیت (۱۳۹۲)، سازمان‌های بین‌المللی، ترجمه‌ی: حسین شریفی طراز کوهی، تهران: نشر میزان.
- ۲- خرازی، فردین (۱۳۸۶)، حقوق زنان و سازمان ملل متحد، راهبرد، شماره ۴۶.
- ۳- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸)، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۵- موسی‌زاده، رضا (۱۳۷۹)، سازمان‌های بین‌المللی، تهران: نشر میزان.

رهیافت نظری فمینیسم به چند روش، نقش جنسیت در سازمان‌های بین‌المللی راه مورد بررسی قرار می‌دهد. نخستین روش آن است که، به بررسی سهم و نقش زنان در سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازد. از لحاظ استخدامی، زنان اکثراً از موقعیت‌های معمول قدرت خارج شده‌اند و کمتر از ۴٪ تصمیم‌گیرندگان در نظام ملل متحد را تشکیل می‌دهند. این آمار شامل سفرای ملل متحد، مدیران ارشد و کارمندان ارشد است. جای تعجب نیست که زنان بیش از ۸۵٪ از کارمندان اداری و خدماتی را تشکیل می‌دهند. رهیافت نظری فمینیسم این عدم تساوی‌ها مربوط به جنسیت را در سازمان‌های بین‌المللی دولتی مورد تأکید قرار می‌دهد. زنانی که پست‌های تصمیم‌گیری را اشغال می‌نمایند، دوست دارند سرپرستی اداراتی را به عهده بگیرند که معمولاً با مسائل مربوط به زنان سروکار دارد. روش دوم این است که محققین فمینیست به فعالیت‌ها و استراتژی‌های سازمان‌های غیردولتی توجه دارند. این نوع سازمان‌های بین‌المللی مشغول کمک به مردم (به ویژه زنان و کودکان) هستند. زنان در سازمان‌های غیردولتی فعالیت می‌کنند که در مورد موضوعات مربوط به زنان، کمک‌های قانونی و پزشکی ارائه می‌دهند و به دنبال ایجاد تغییر در جوامع مردسالار هستند. چنین سازمان‌هایی تمایل دارند که طرفدار زنان باشند چون به جای این‌که ساختار آن‌ها براساس سلسله‌مراتبی باشد، به طور افقی است و قوانین سفت و سختی بر آن‌ها حاکم نیست.

در مجموع می‌توان گفت، رهیافت نظری فمینیسم بر سهم زنان در سازمان‌های بین‌المللی تأکید دارد، و هم نقش زنان در حوزه‌های نسبتاً مردانه را به رسمیت شناخته و هم ارزش نقش‌های سنتی جنسیتی زنانه را به عنوان یک موضوع ارزشمند، مورد تأکید قرار می‌دهد. سازمان‌های بین‌المللی بر مبنای نقش زنان و نیز بر حسب ارزش مبتنی بر جنسیت بررسی می‌شوند. رهیافت فمینیستی در مورد نقش سازمان‌های بین‌المللی و اولویت بخشیدن موضوعات و مسائل زنان در سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی خوشبین هستند.

زنان در مسیر

توسعه‌ی خاورمیانه



فاطمه مصیبی
کارشناسی علوم سیاسی

خاورمیانه این روزها شاهد ظهور تحولات در برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس است. عربستان به عنوان یک کشور سنتی و محافظه کار این بار به اصلاحاتی گسترده در حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه زنان پرداخته است. از آن جایی که یکی از شاخص‌های توسعه و نیمی از جمعیت هر کشوری را زنان تشکیل می‌دهند، همواره در اصلاحات زنان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. این بار در عربستان کشوری که همواره مورد انتقاد سازمان‌ها و مراکز بین‌المللی در بحث حقوق بشر بوده است، اصلاحات گسترده‌ای در حال وقوع است.

از جمله: فتوای مفتی سعودی برای خروج زنان عربستان به خارج بدون اذن همسر، لغو ممنوعیت رانندگی برای زنان، ورود زنان به ورزشگاه، انتخاب یک زن به عنوان سخنگوی سفارت این کشور در واشنگتن، علاوه بر این طبق تصویب مجلس شورای عربستان زنانی که در رشته های زیر مجموعه ی فقه تحصیل کرده باشند، می توانند همچون مفتی های مرد، فتوا صادر کنند

در این زمینه سه دیدگاه در میان پژوهشگران به وجود آمده است. گروه نخست معتقدند زمانی که بن سلمان موفق شد رقیب خود بن نایف را از عرصه ی سیاسی کنار بزند، آغاز دوران جدید در عربستان به دلیل تفکرات سیاسی و فرهنگی خاص بن سلمان پدید آمد. آن ها اصلی ترین سند این ادعا را چشم انداز ۲۰۳۰ موسوم به سند توسعه عربستان می دادند. در واقع این گروه معتقدند که این سند صرفاً اقتصادی نبوده و بخش هایی از آن کاملاً فرهنگی، اجتماعی و مدنی است. در نتیجه آن ها معتقدند که عربستان به سمت مدرن شدن و در نهایت توسعه حرکت می کند.

گروه دوم به این نکته تاکید دارند که بن سلمان با نشان دادن خود به عنوان یک چهره ی ویژه و ساختار شکن در پی جلب حمایت زنان و جوانان است. بن سلمان بارها در مصاحبه هایش از لزوم تغییر وضعیت زنان سخن گفته است و در سند ۲۰۳۰ نیز به صراحت بیان شده است که برای اشتغال زایی و پویایی نیروی بومی به جای نیروهای غیر بومی لازم است زنان جایگزین خارجی ها در میحث اشتغال شوند. بن سلمان در مصاحبه با خبرگزاری بلومبرگ گفته است: "امکان ندارد جامعه ی سعودی پیشرفت کند در حالی که حقوق نیمی از جمعیت آن نادیده گرفته شود. لذا ما ضمن حمایت مضاعف از آزادی ها، حقوق زنان که در اسلام برای آن ها تعیین شده است را به آن ها بازگردانده و قیدها و زنجیرهای تحمیل شده بر زنان را مرتفع می کنیم." بنابراین او برای کنار زدن رقبایش از عرصه ی سیاسی و در راستای اجرای سند توسعه اقدام به انجام اصلاحاتی گسترده کرده است.

گروه سوم با اشاره به اینکه اصلاحات صورت گرفته در عربستان به دلیل فشارهای خارجی انجام می شود، عنوان می کنند این طرح ها نمادین و صرفاً برای جلب نظر سازمان های بین المللی و نظام بین الملل است. همچنین این گروه معتقد است به این که عربستان یا چنین اقداماتی می خواهد توجهات را از جنگ در یمن و تقویت فرقه گرایی منحرف کند و بر دستگیری های اخیر سرپوش گذارد.

و شاهزاده ی سعودی برای کنار زدن رقبای خود و در مسیر رسیدن به پادشاهی به انجام چنین طرح هایی نیاز دارد و حمایت از زنان و اقدامات صورت گرفته به این دلایل بوده است.

اصلاحات صورت گرفته در عربستان، واکنش های زیادی در میان زنان و به ویژه کاربران شبکه های اجتماعی در ایران به جای گذاشت. در همین روزها بود که امارات نیز از خبر حضور نه وزیر زن در کابینه اش پرده برداشت. این اتفاقات مانند شوکی بر پیکره ی جامعه ی زنان و فعالین حقوق مدنی در ایران بود. آن هم درست زمانی که در کابینه ی جدید دولت، حضور هیچ زنی را شاهد نبودیم. بازتاب گسترده ی این خبر، نشان دهنده ی تاثیرات عمیق آن در ایران است چرا که زنان هنوز از بسیاری حقوق اولیه در عربستان محرومند و حتی در کابینه ی قبلی امارات هم شاهد حضور هشت زن بوده ایم. رویدادهای پشت سر هم این روزها گویی نوعی مطالبه گری هرچند محدود و کوتاه در میان ایرانیان و به ویژه زنان رقم زد. و این فرصتی بود برای طرح مطالباتی که مدت هاست از ساختار قدرت انتظار می رود، اگر بخواهیم خوش بینانه نگاه کنیم به نظر می رسد، که موج به راه افتاده در عربستان می تواند عاملی هرچند محدود و کوتاه مدت اما در جهت توسعه ی ایران و حتی خاورمیانه باشد. مقایسه ی دائم ایران با عربستان در این روزها، موجی از مطالبه گری در عرصه های مختلف به ویژه مسئله ی زنان را موجب شده است، هر چند عده ای اعتقاد به نمادین بودن آن دارند، اما با ادامه ی این موج می توان خوش بین بود که این قیاس می تواند به روند اعطای مطالبات زنان در ایران کمک کند مانند بحث حضور زنان در ورزشگاه که این روزها و بعد از اتفاقات اخیر عربستان به صورت جدی تری نسبت به گذشته در حال پیگیری است.

امکان‌های ساخت دموکراتیک برای گلریز قهرمان



ذبیح‌الله جعفری
کارشناسی علوم سیاسی

گلریز قهرمان نخستین پناهجویی که از حزب سبز وارد پارلمان نیوزلند شده است.

او که اصالتی ایرانی دارد در سال ۱۹۸۱ در مشهد زاده شد و در ۹ سالگی به همراه خانواده خود ایران را ترک کرد.

وی دانش آموخته حقوق از دانشگاه آکسفورد است. وکیل و سیاستمداری که تجربه کاری در سازمان ملل در پرونده‌های کشورهای کامبوج و یوگسلاوی را داراست و همچنین تجربه کاری و تلاش برای حمایت از زنان در کشورهای قبایله‌ای اغلب به خشونت‌های حداکثری علیه زنان منتهی شده بود را داراست.

پدر گلریز، مهندس کشاورزی و مادرش روان‌شناس بود. گلریز قهرمان بعد از منتخب شدن و راه یافتن به پارلمان نیوزلند در سخنرانی خود می‌گوید: «لحظه خوبی است که دختر ۹ ساله‌ای را به یاد بیاورم که وارد این کشور شد و حالا می‌تواند وارد پارلمان نیوزیلند شود. این رأی برای من رأی مهمی است؛ به‌ویژه در دوره ظهور ترامپ، برگزیت و مخالفت هرروزه با مهاجران و پناهجویان. در برابر هزاران فردی که به من رأی داده‌اند، حس مسئولیت می‌کنم. او همچنین درباره حزب خود افزود: حزب سبز نقطه مقابل سیاست ترامپ‌بیس، تفرقه، نفرت و برگزیت هست.

انتخاب گلریز قهرمان به عنوان نماینده پارلمان نیوزلند بسیاری از ایرانیان را خوشحال کرد و از نظر ریشه‌های ایرانی بودن او مورد توجه بسیاری از ایرانیان قرار گرفت اما در زمان کاندید شدن او در انتخابات نیوزلند مشکلات تازه‌ای برای او به وقوع پیوست.

انتخاب او فریاد گروه‌های ضد مهاجر و نژاد پرست را برنگیخت و او هدف حمله‌های متعددی قرار گرفت.

گلریز قهرمان می‌گوید:

"برای من خیلی وحشتناک نبود ولی برای اطرافیان من این مسائل کاملاً ترسناک و نگران‌کننده بود."
حمله‌های سازمان‌دهی شده‌ای که در فضای آنلاین به من شد در زمانی که کاندید شدم
"من حدس می‌زنم این حملات بخاطر مسلمان بودن و یا مهاجر بودن من بوده است یا این که یک زن جوان چرا وارد سیاست شده است."
عده‌ای برای او کامنت‌های عجیب و غریبی می‌گذاشتند.

از قبیل این جملات:

"آیا میخواهی تروریست را وارد نیوزلند کنی؟"

"تو پناهجویی، چطور میخواهی نخست‌وزیر را نقد کنی؟"

"ما به تو دموکراسی دادیم، حالا تو چطور میخواهی دولت را نقد کنی؟"

با وجود این حمله‌های مداوم باز هم این حملات علیه گلریز قهرمان ثمر نداد و او تبدیل به نخستین پناهجویی شد که در نیوزلند وارد پارلمان شد.



ساره امیری

زهرا جعفری
کارشناسی علوم تربیتی

این خلاصه ای از موقعیت ها و موفقیت هایی بود که یک دختر ایرانی، یک دختر اصیل بلوچ توانسته بود به دست آورد. شاید وقتی واژه ی "دختر" را به زبان می آوریم ضعف و ناتوانی در ذهن تداعی شود، باور غلطی که امروزه سندهای مختلفی آن را تایید می کند، نمونه اش خانم ساره امیری و یا خیلی از خانم هایی که در داخل و خارج کشور به نوبه ی خود توانسته اند، قهرمان زندگی کشور خود باشند و با حضورشان در مجامع بین المللی، طلایه دار نام بزرگ کشورشان بوده، کسانی که شاید نامشان را برای بار اول به گوشمان خورده باشد اما در زندگی خود تلاش هایی کردند که بلند تر و رساتر نام خود را به گوش همه برسانند.

خانم ساره امیری متولد خطه ی گرم و صمیمی بلوچ بوده، ایشان در سال ۱۳۶۶ متولد شده است. از دوران دبیرستان نبوغ این شخص در زمینه ی برنامه نویسی برای خود و دیگران اثبات شده بود، به همین دلیل او برای ادامه تحصیل در دانشگاه، مهندسی مطالعه ی کامپیوتر و برنامه نویسی تخصصی را انتخاب نمود. تحصیلات خورادر دانشگاه آمریکایی شارجه ادامه داد و در سال ۲۰۰۸ مدرک کارشناسی خود را دریافت کرد و با ادامه ی تحصیل در نهایت یک استاد مهندسی کامپیوتر در سال ۲۰۱۴ شد. با توجه به موقعیت و تخصص ایشان چندین مسئولیت را برعهده داشتند. رئیس دانشکده فضا در مرکز فضایی محمد بن راشد، مهندس نرم افزار در بنیاد امارات مارس ۲۰۰۹ تا اکتبر ۲۰۱۱، رهبری اداره ی تحقیق و توسعه در مرکز فضایی محمد بن راشد از اکتبر ۲۰۱۱ تا ژانویه ۲۰۱۴ و در حال حاضر رئیس شورای علمای امارات متحده ی عربی و رهبر تیم علمی برای اکتشاف مریخ و در جدیدترین اخبار بیان شده در مورد خانم امیری، ایشان به عنوان وزیر علوم پیشرفته در امارات منصوب شده اند.





جایگاه زنان در ورزش

سهیلا رخشانی نیک

مقدمه:

ورزش و فعالیت های بدنی امروزه یکی از ضرورت های مهم هر جامعه ای است که به آن پرداخته میشود. اما امروزه با رشد جوامع و بوجود آمدن مسایل و مشکلات ناشی از زندگی، اختصاص زمان قابل توجهی از زمان روزانه به امور روزمره، باعث شده است که پرداختن به فعالیت های بدنی کمرنگ تر شود. در ایران پس از پیروزی انقلاب و حاکم شدن ارزش های اسلامی، زنان در چارچوب اصول حاکمه و باورهای اسلامی به فعالیتهای ورزشی مشغول هستند.

زنان و ورزش در گذشته:

از لحاظ تاریخی در دوران باستان نمیتوان تاریخ مشخصی برای حضور زنان در عرصه های ورزشی بیان کنیم. در یونان باستان، ورزش به عنوان یکی از آیین های مذهبی و اجتماعی محسوب می شد و زنان نه تنها نمی توانستند شرکت کنند بلکه از حق تماشا کردن نیز محروم بودند. در دوران برده داری، فقط زنان طبقه اشراف حق تماشای مسابقات ورزشی را داشتند. با گذشت زمان سیستم های سیاسی و اجتماعی و... تغییراتی کردند که در نتیجه موقعیت زنان نیز دچار تغییر و تحولاتی شد. با آغاز قرن بیستم، بسیاری از زنان در عرصه های مختلف از جمله فعالیت های بدنی و ورزشی شروع به فعالیت کردند. مثلا در اولین مسابقات المپیک نوین، تعداد کمی از زنان حضور داشتند اما رفته رفته تعدادشان افزایش پیدا کرد و شاهد موفقیت های زیادی برای زنان در زمینه های مختلف ورزشی بودیم.

زنان و ورزش در ایران:

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و حاکم شدن ارزشهای اسلامی و انقلابی و تغییراتی که در تمام شیون زندگی ایجاد شد، زنان از موقعیت و جایگاه والایی تحت عنوان «زن مسلمان» برخوردار شدند. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، شورای انقلاب مسیولیت پیگیری و بررسی های مسیله ورزش زنان را به عهده داشت سپس برای پیگیری های بیشتر و برنامه ریزی ها و هماهنگی ها در جهت فعالیت های بدنی زنان تشکیلاتی با عنوان مدیریت امور ورزشی بانوان ایجاد شد که بعد ها به انجمن های مختلف ورزشی در زمینه فعالیت های بدنی بانوان تبدیل شد. جمهوری اسلامی در راستای حضور فعال بانوان در عرصه های مختلف به خصوص ورزش، برنامه هایی را تدوین کرده است تا زنان و دختران با حفظ شیونات اسلامی بتوانند در مسابقات داخلی و بین المللی به فعالیت بپردازند.

امروزه با وجود پیشرفت های بسیاری از بانوان در زمینه فعالیت های ورزشی، اما باز هم درصد افزایش توانمندی دختران و زنان در مقایسه با مردان و پسران در این زمینه بسیار کم است. دلایل مختلفی وجود دارد. همانطور که بیان شد دختران نسبت به پسران از توانایی بدنی کمتری برخوردارند، دختران با افزایش سن شان از توانایی جسمانی آنها کاسته میشود در حالی که این مورد در پسران کاملاً عکس است. عامل دیگر، عوامل روانی اجتماعی موجود در جوامع مختلف در مورد دختران است. دختران و زنان در میان جوامع مختلف و قومیت های متفاوت دارای جایگاه و موقعیت های گوناگونی هستند در نتیجه دختران و زنان دارای پیشرفت های کمتری در زمینه های ورزشی هستند.

زنان و ورزش در امروز:

در جوامع امروزی، زنان در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فعالیت دارند و شاهد پیشرفت های چشمگیری در جامعه زنان هستیم اما برخی از عوامل باعث محدودیت حضور بانوان در زمینه فعالیت های بدنی شده است.

۱) محدودیت های اجتماعی و فرهنگی و آداب و رسوم های خانوادگی

۲) مشغول بودن اکثریت زنان به مسایل و امور روزمره زندگی

۳) بی توجهی رسانه های جمعی در گسترش و اشاعه فرهنگ ورزش در بین زنان

۴) عدم آگاهی زنان از فعالیت های مختلف ورزشی و توانمندی های خود

از لحاظ وضعیت جسمانی و فیزیولوژیکی بدون شک دختران و پسران با یکدیگر متفاوت هستند. سن بلوغ دختران در مقایسه با پسران زودتر آغاز میشود اما از لحاظ طولی زودتر به پایان می رسد. در نتیجه دختران دارای جثه ظریف تر و قدرت جسمانی کمتری نسبت به پسران هستند. علاوه بر این موضوع، فرهنگ و اجتماع نیز در شکل گیری موقعیت دختران و فعالیت های آنها موثر هستند. در برخی از جوامع و قومیت ها بر اساس فرهنگ حاکم و آداب و رسوم آنها، دختران دارای محدودیت های عملی و کاری در زمینه های مختلف از جمله ورزش هستند و استقبال این جوامع از بانوان در عرصه فعالیت های متفاوت کم رنگ است. از طرف دیگر ظرفیت های محیطی و مکانی مناسب هم برای گسترش فعالیت های بدنی بانوان وجود ندارد.

زن را چه به این کارها!

محمد تربت زاده
علوم سیاسی دانشگاه آزاد



«پردیس، ثابتی فارغ‌التحصیل دکترای پزشکی از دانشگاه هاروارد است که با طراحی الگوریتمی موفق به نمایش اثرات ژنتیک بر پیشرفت بیماری شده است. وی هم‌اکنون دانشیار دانشگاه هاروارد است و سرپرستی گروه محققان برای خواندن ژنوم انسان و تمام کروموزوم‌های موجود در ویروس ابولا را بر عهده دارد.»

پردیس خانوم! زن را چه به این کارها. از بلقیس همسایه مان یاد بگیر. نصف تو سن دارد و از هر انگشتش یک هنر می‌بارد. قرمه سبزی‌هایش چنان جا می‌افتد که بیا و ببین... از خیاطی اش که برایت نگویم، منیژه می‌گوید لباس عروسش را خودش دوخته... این‌ها به کنار، اصل و نسبش بر می‌گردد به طهماسب خان. می‌شناسی اش که؟ ای بابا خیلی معروف است... همان که ملک و املاکش سر به فلک می‌کشیده... این‌ها را ول کن پردیس جان! راست است که می‌گویند با نمره کامل از دانشگاه هاروارد فارغ‌التحصیل شده‌ای؟ راستش را بخواهی هیچ جوهر توی کتم نمی‌رود یک زن از هاروارد نمره کامل بگیرد.

تازه منیژه می‌گفت چهل و نهمین نابغه جهان هم هستی. آن روز هم که این خیر ندیده‌ها داشتند ماهواره نگاه می‌کردند، اخبارش می‌گفت: «پردیس ثابتی، یکی از هشت نابغه‌ای که دنیا ما را متحول خواهند کرد.» پردیس جان تعارف که نداریم. همه می‌گویند با پول پدرت به اینجا رسیده‌ای. خیر نبینند این آمریکایی‌ها! الکی الکی مدرک دانشگاهی می‌دهند و یکی را دانشمند می‌کنند، بعد استعداد بچه من این جا تلف می‌شود.

به پسر من می‌گویم مگر چه چیزی از این پردیس کم داری؟ خانواده ات هم که اصل و نسب دارند، بیا می‌فرستمت آمریکا که دانشمند شوی. زبان بسته می‌گویی: «مادر جان کجای کاری؟ همه اش پارتی بازی است. این‌ها ژن خوب دارند که دانشمند می‌شوند!» من که نفهمیدم چه می‌گوید ولی اصغر آقا شوهر خیرنندیده ام از آن ور داد می‌زد: «چرا حسودی می‌کنید؟ اگر راست بگویی و این پردیس خانوم همچین دانشمند بزرگی باشد، باید قدر استعدادی که زن‌های ایرانی دارند را بدانی و از پیشرفت‌هایشان خوشحال باشی، نه آنکه با حرف‌های صدمن یک غارت، سوهان بشوی و بیفتی به جان اعصاب ما»

پردیس جان! این اصغر آقا نمی‌فهمد که من برای خودت می‌گویم. با این کارها برای آدم شوهر پیدا نمی‌شود، این کارهای مردانه را بگذار برای خود مردها. بیا کنار خودم بشین گلدوزی یادت بدهم!

دیگر زیبا نیست!



حوریه رضایی
روان تحلیل گر

حالا چند وقتی‌ه که پیچیده دختر فلانی شوهر خواهون نیست، عیب داره، پسر بی سروزبون مردمو پس میزنه. دوباره دیدمش. اشک میریخت و بیقرار بود، میگفت باباش میدونه پسر عیب داره ولی به خاطر حرف مردم قبول نمیکنه طلاق بگیره، میگفت همه میگن تو زن نیستی! تو بلد نیستی رامش کنی، یادش بدی. آرومش کردم و بهش گفتم تو بازم تلاشتو بکن، گفت دیگه نمیشه، دیگه نمی‌تونم.

چند وقتی‌ه ازش خبر ندارم، نمیدونم که داستان زندگیش به کجا رسیده، اما میتونم حدس بزنم؛ به اصرار خانواده ادامه میده تا وقتی که بچه دار بشه و بعدم دل به زندگی بچه ش میبندد تا بچه ش هم یه اول مهری دیگه مدرسه نره و با همه دخترانگی‌ش، زن بودن بهش تحمیل بشه. میدونم که احتمالا خیلی وقته دل از زنانگی و شور و عشق زندگی کنده و دیگه نمیخنده. میدونم که دیگه چشم‌هاش برق ندارن و دیگه تند تند و با حرارت صحبت نمیکنه. میدونم که دیگه زیبا نیست؛ نه خودش و نه تقدیرش، مثل باقی دخترهای اونجا.»

این تجربه فقط شرح ذره ای از فاجعه ازدواج دختر بچه‌ها در ایران است. در سال گذشته تنها در استان خراسان رضوی ۶۷۵۹ کودک، کودک به معنای کلام و وجود، مجبور به قدم گذاشتن به خانه شوم‌بختی شده‌اند. کودکانی که رنج زندگی بزرگسالانه دو نفری یا گاهی حتی چندنفری بر دوش آن‌ها گذاشته شده و به زودی برای هر اشتباه کوچکی بازخواست خواهند شد. کودکانی که بچگی نکرده، مادر شده‌اند.

«زیبا بود یعنی به چشم من زیبایی آرومی داشت. شبیه باقی دخترهای اونجا، تقدیرش هم شاید شبیه بقیه بود... یادمه می‌گفت می‌خواود درس بخونه و معلم بشه. تنها شغلی که شاید یه دختر بتونه داشته باشه. از سختی‌های راه درس خوندن و معلم شدن می‌گفت، اینکه عمرا باباش اجازه بده دیپلم بگیره و بره دانشگاه. بهش امید دادم و گفتم حالا تو تلاشتو بکن، خندید و گفت آره من می‌خواوم درس بخونم.

چند وقت بعد شنیدم از دواج کرده، پرسیدم چرا؟ گفتن دختر خوب باید از دواج کنه. پرسیدم شوهرش کیه؟ چیکاره ست؟ درس خونده؟ جواب دادن پسر خوبیه، مظلومه و مرد زندگیه.

این دفعه که دیدمش دستمو گرفت و واسم تعریف کرد که نمی‌خواست شوهر کنه، که می‌خواست درسشو بخونه ولی انگار واسه دختر درس خوندن معنی نداره! می‌گفت شوهرش عجیبه؛ عاشقی کردن بلد نیست، اصلا حرف زدن بلد نیست، میگفت حتی دیپلمش روهم نگرفته و حتی گواهینامه هم نمیتونه بگیره. اشک میریخت و آروم می‌گفت بلد نیست نوازشش کنه، میگفت همه میگن بچه ست تو باید یادش بدی به جاش مرد کار و زندگیه. آرومش کردم و بهش گفتم حالا تو تلاشتو بکن. خندید و گفت آره من می‌خواوم زندگیمو بسازم.

به نام بانوان به کام نهنگ آبی!!

نگاهی به حقوق بانوان در منشور حقوق زنان

محمد حسین دهقان
کارشناسی علوم سیاسی



خواننده در این مرحله دیگر راهی برایش نمی‌ماند و برای نصب بازی (نهنگ آبی) اقدام میکند! یعنی اینقدر انسجام و اتحاد بین دستگاه‌های اجرایی کشور بالاست که نه تنها منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان اجرایی نشد، بلکه طرح‌های عملی پس از آن هم نادیده گرفته شدند! اینجاست که خواننده از خود می‌پرسد: (پس اینهمه هزینه‌ها برای چه کسیست؟ مگر قرار نبود برای بانوان باشد؟)

بر اساس تبصره موجود در منشور حقوق زنان، باید هر دو سال یک گزارش از روند پیشرفت‌ها و نقاط ضعف و موارد نقض آن به دست شورا برسد اما ظاهراً مدارکی از این گزارش‌ها هم موجود نیست تا بتوان استناد دقیق و مقایسه منطقی بین طرح تصویب شده و موارد عمل شده انجام داد. ما در این نوشتار سعی داشتیم بخشی از ریشه برخورد‌های سلیقه‌ای با بانوان در زمینه‌های مختلف اجتماعی همچون اشتغال یا فعالیت‌های فرهنگی را رو به روی چشمان مخاطب قرار دهیم. اگر در موارد متعددی شاهد چنین برخورد‌های سلیقه‌ای هستیم، یکی از عللش عمل نکردن به قانون توسط دستگاه‌هاست. همه طرح‌ها و منشورهای ذکر شده در این تحلیل مثل منشور حقوق زنان یا منشور حقوق شهروندی، ریشه در قوانین مجلس شورای اسلامی دارند و هیچ کدام از زمین نجوشیده یا از آسمان نیوفتاده‌اند! راه حل مشکلات و معضلات کنونی جامعه ما در حوزه زنان و خانواده، برگشت به اصل قوانین و اجرای چنین منشور‌هایی است.

در منشور حقوق شهروندی، گرچه تیزی به صورت اختصاصی به بانوان تعلق ندارد اما تقریباً در همه‌ی حقوق ذکر شده، مواد خاصی برای بانوان موجود است که ان شالله در نوشته‌های آینده به آن خواهیم پرداخت.

شاید در کلام اول برایتان عجیب به نظر برسد که در تیتراژهای فهرست منشور حقوق شهروندی، مثل حق حیات یا حق مسکن، چیزی به نام حقوق مختص بانوان وجود ندارد! اما پیش از اینکه قصاص قبل از جنایت کنیم بیایید به سال ۱۳۸۳ برگردیم، جایی که در شورای عالی انقلاب فرهنگی، طرحی به نام منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید. این منشور همانطور که از نامش پیداست تکیه بر دو مقوله‌ی حقوق و مسئولیت‌ها دارد که طرح جامع تری در حوزه زنان به نظر می‌رسد! اگرچه نمی‌خواهیم یکطرفه به قاضی برویم اما این طرح آنچنان که گفته می‌شود جامع نیست. دکتر کبری خزعلی رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده سال گذشته گفت: ((ما پس از انجام بررسی‌ها دیدیم که آثار این سیاست‌ها {منشور حقوق زنان} در عرصه اجرا دیده نمی‌شود)) جالب است که خانم خزعلی برای این مسئله دو راهکار ارائه می‌کنند: ((یکی تعریف اقدامات ملی و برنامه‌های عملی در موضوع زنان و دومی نیز تصویب تشکیل ستاد ملی زنان و خانواده در سال ۱۳۹۰))

انسان از اینکه مسئولین اینقدر به فکر اجرایی شدن سیاست‌های درست هستند در شگرف می‌ماند! خواننده‌ی متن لبخندی می‌زند و منتظر می‌ماند که دکتر خزعلی بگوید با اینکار دیگر همه مشکلات حل شد و زنان به حقوق و تکالیف خود رسیده‌اند! اما در کمال تعجب خانم دکتر ادامه می‌دهد: ((اولین مورد یعنی اقدامات ملی و برنامه‌های تدوین، هم اکنون در مرحله‌ای قرار دارد که باید با تخصیص بودجه اجرایی شود، اما اقدام قابل توجهی در این زمینه انجام نگرفته و گزارش‌هایی که از دستگاه‌ها دریافت می‌شود حاکی از آن است که کاری جدی، چندان که رفع کننده نیاز مردم باشد، انجام نمی‌شود.)) خواننده دهانش باز می‌ماند! هنوز آب سرد اول بر روی پیکره اش خشک نشده که می‌شنود: ((دومی یعنی ستاد ملی زنان و خانواده به عنوان یک مجموعه چابک تخصصی برای موضوع زنان و خانواده است و پس از این که این ستاد تشکیل شد، مشاهده کردیم که مصوبات آن هم چندان اجرایی نمی‌شود))



زن در جامعه ایرانی ۳

بررسی جامعه‌شناخته مطالعات زنان در ایران



زن در جامعه‌ی ایرانی

زهرا اکبری

کارشناسی ارشد روابط بین الملل

نشست کرسی آزاداندیشی زن در جامعه‌ی ایرانی به همت سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی خراسان رضوی در چهارشنبه ۳ آبان ۱۳۹۶ با حضور دکتر هما زنجانی‌زاده استاد پیشکسوت گروه علوم اجتماعی، دکتر ناهید مشایی استادیار گروه معارف و علی باغدار دلگشا پژوهشگر حوزه زنان، در آمفی تئاتر دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد. حال ما در این جا به ارائه‌ی گزارشی از این نشست خواهیم پرداخت.

تحلیلی جامعه‌شناختی از مطالبات زن ایرانی

آمار نشان می‌دهد درست وقتی که ۶۵ درصد دانشجویان دانشگاه خانم هستند نیروی کار ۱۲ درصد است پس بنابراین برچسبی هم که به خانومها زده می‌شود که علت بیکاری آقایان خانومها هستند باطل است. بنابراین وقتی که شما آگاهی را بالا بردید، فقط مسئله را مطرح کردید.

ایشان افزودند: در قدیم این نابرابری‌ها طبیعی تلقی می‌شد، و چون طبیعی تلقی می‌شد در پدران جامعه‌شناسی هم می‌بینیم که اصلاً هیچ حرفی در رابطه با زنان گفته نمی‌شد؛ چون این نابرابری‌ها طبیعی بود، و در طبیعت بشری نمی‌شود نقشی بازی کرد. چه وقت این مسئله شد؟ وقتی در قرن ۲۰ گفتند این مسئله طبیعی نیست، چرا گفتند طبیعی نیست؟ چون هر وقت تغییری در رفتار مشاهده کردید دیگر نمی‌توانید بگویید طبیعی است.

در این نشست، دکتر هما زنجانی‌زاده با اشاره به این که انسان موجودی است که نیازهای متعددی دارد و این نیازها باید برآورده شود، گفتند که: اگر این نیازها سرکوب شود، این بدین معنا نیست که از بین رفته است، تحلیل روان‌شناختی به ما می‌گوید که اگر نیازها سرکوب شد از بین نمی‌رود بلکه وارد بخش ناخودآگاه می‌شود. نخستین جلوه‌ی ناخودآگاه افسردگی است. افسردگی فقط به گریه منتهی نمی‌شود، افسردگی وقتی دوام پیدا کرد به صورت پاتولوژیک در می‌آید. آسیب‌های اجتماعی شامل خودکشی، قتل، طلاق فرار از خانه است. همه‌ی این‌ها حالت‌های پاتولوژیکی هستند بخاطر این که آن نیاز اولیه برآورده نشده است. ایشان در ادامه گفتند: وقتی که نیازهای اجتماعی درست برآورده نشود آغاز آسیب‌های اجتماعی است که روی هم تأثیر متقابل دارند. آمار خشونت را نگاه کنید که تا چه حد افزایش پیدا کرده است. متأسفانه کسانی که روی مسائل اجتماعی کار می‌کنند در حد درصد به ما می‌گویند که چقدر این آمار بالا رفته است، اما تبیین جامعه‌شناختی نمی‌کنند که چرا این‌طور شده است؟ چرا آمار طلاق بالا رفته است؟ چرا آمار اعتیاد افزایش پیدا کرده است؟ این بحران اتفاق افتاده است، اما اگر علاج نشود فرومی‌ریزد.

ایشان ادامه داد: وقتی که مطالبات زنان را نگاه می‌کنیم سؤال پیش می‌آید که چه اتفاقی افتاده، که مطالبات زنان بالا رفته است؟ اولین دلیل افزایش آگاهی است. ما در جامعه‌ای هستیم که از نظر اجتماعی گفته می‌شود: علم فریضه‌ای است برای مرد مسلمان و زن مسلمان. حال شما دارید آگاهی را می‌دهید، بعد از آن چه می‌شود؟



ایشان با اشاره به این که اوزمانی که بچه به دنیا می‌آید سؤالی که از پسرها می‌شود این است که می‌خواهی چه کاره شوی؟ و در مورد دختران معمولاً از زیبایی لباس یا از چهره‌اش تعریف می‌شود، گفتند: ما برخورد یکسان در اجتماعی کردن کودکان نداریم اگر ما برخورد یکسان داشتیم بایستی تربیت یکسان می‌دادیم، آن وقت اگر تفاوت‌هایی می‌دیدیم می‌گفتیم بله این طبیعت زنانه است، این طبیعت مردانه است. اما ما از ابتدا تفاوت رفتار داریم، تفاوت اسباب‌بازی داریم، انگار جهان‌مان متفاوت است. در قدیم اگر بچه پسر بود با افتخار گفته می‌شد، اما اگر دختر بود با لحن آرام و به همین جهت خانواده‌ها اگر دختر می‌آوردند گفته می‌شد دخترزا هستند، اما الان تحقیقات پزشکی نشان می‌دهد که جنسیت را پدر تعیین می‌کند.

در نهایت زنجانی‌زاده افزود: وقتی در رأس گروهی هستند که اصلاً تجربه‌ی زنان را نداشتند بنابراین باید منتظر باشیم که همه‌ی قوانین سیستمی باشد که ما به آن می‌گوییم مردسالاری. در این تصمیم‌گیری‌ها باید هر دو حضور داشته باشند. ازدواج یعنی اکمال متقابل وقتی تعریف از خانواده می‌کنید خانواده متشکل از یک زن یک مرد و بچه‌ها است، نه اینکه یک مرد و چندتا زن و بچه‌ها نمی‌دانم کجا تربیت می‌شوند. باید به این مسائل فکر کنیم، اگر در صدر اسلام صیغه مطرح شده خیلی کار درستی بوده، همه‌ی مردان به جنگ می‌رفتند و زنان بدون شوهر بودند، و به همین جهت گفته شده ازدواج کن به شرط عدالت و می‌دانم که نمی‌توانی... پس وقت آن رسیده است که در ساختار حقوق زنان بار دیگر تجدید نظر شود و خوشبختانه در شیعه مجتهد جامع‌الشرایط داریم که می‌توانند خیلی مسائل را مطرح کنند.

شما نمی‌توانید و ریشه‌اش اجتماعی است. اولین زنانی که خواهان مطالبات‌شان بودند هزینه‌ی سنگینی پرداختند، حتی به قیمت جان... ولی تأثیری که گذاشت بالا بردن آگاهی بود. راه رستگاری زنان که اول هم در غرب مطرح شد غریزه‌ی آموختن بود این آموزش آغاز آگاهی بود. به همین جهت اولین چیزی که باعث شد مطالبات افزایش پیدا کند، زیر سوال رفتن این بود که نابرابری‌ها ریشه‌ی طبیعی ندارد، به برکت آموختن و بعد در تفکر غربی است که در کنار مسئله‌ی آموزش، مطالبات را می‌بینید.

زنجانی‌زاده افزود: بنابراین، شما می‌بینید که افزایش آگاهی در همه‌ی حوزه‌ها و تحصیلاتی که منجر به بیکاری می‌شود، باعث افسردگی و خشم می‌شود. می‌توان گفت جامعه‌ی زنان به این آگاهی رسیده است. ایشان سؤالی مطرح کردند مبنی بر این که، چگونه با این نابرابری‌ها مقابله شود؟ و در ادامه تصریح کرد: اگر بینش سیستمیک داشته باشیم، تغییرات در خرده سیستم‌ها را زیاد می‌بینیم، تغییرات سیاسی، آموزشی و اقتصادی. حال وقت آن است که، تغییرات در سیستم حقوقی ما به وجود بیاید. حقوق سیاسی لزوماً به معنای شرکت در انتخابات و یا انتخاب کردن نیست زنان معتقد هستند که چون مردان، از بن‌بست‌ها و مشکلات زنان آگاهی ندارند وقت آن رسیده است که در مواردی راجع به آزادی زنان مخصوصاً مقوله‌ی سیاسی، زنان هم مورد مشورت قرار بگیرند خیلی مسائل هست که مردان در مورد زنان نمی‌دانند...



بررسی مطالبات اجتماعی زنان در دوران مشروطه

علی باغداردلگشا با بیان این که موضوع سخن بنده در این نشست بررسی مطالبات اجتماعی زنان در دوره مشروطه، به عنوان مهم‌ترین دوره تجددگرایی در جامعه ایران است، گفت: آن چیزی که از آن به عنوان دوره مشروطه یاد می‌کنیم دوره‌ی زمانی ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۰ شمسی است. و در سیر تفکرات تجددخواهی جامعه ایران، نخستین دوره تجددگرایی است و نخستین دوره‌ای است که زنان ایرانی در آن به طرح مطالبات اجتماعی ساختارمند خودشان پرداختند.

وی در ادامه گفت: این زنان ساختار مطالبات اجتماعی خودشان را در چهار حوزه ترسیم کردند: حوزه نخست، مطالبات آموزشی بود. از لحاظ اجتماعی شاخص‌ترین و بارزترین مطالبه، مسئله‌ی حق تحصیل و ایجاد دبستان دخترانه برای زنان بود. امری که تا ۱۲۸۵ خورشیدی در جامعه ایران ممنوع بود، حتی نخستین زنانی که در ایران در دوره محمدعلی شاه قاجار به ایجاد دبستان دخترانه پرداختند به معنای واقعی کلمه با هجمه‌های محکمی از گفتارهای مردمدارانه‌ی جامعه خودشان مواجه شدند. البته این گفتمان‌های مردمدارانه همه از جانب مردان هم نبود، زنان سنتی هم بودند که در زمین گفتمان مردمداری بازی می‌کردند. دومین مطالبه، مطالبات سیاسی بود، که اصلی‌ترین مسئله در آن حق رأی بود. و تا ۱۳۴۱ خورشیدی این امر برای زنان در ایران تحقق پیدا نکرد. سومین مطالبه، مطالبات حقوقی بود که اختصاص به مسئله و نقش زن در خانواده، مسئله تعدد زوجات و مسئله طلاق بود، که در همان ظرف زمانی مطرح می‌شد. آخرین مطالبه، مطالبات اقتصادی بود، که مهم‌ترین آن‌ها تشکیل پارلمان‌ها و شوراهای مشورتی و انجمن برای زنان بود.

علی باغداردلگشا با بیان این که موضوع سخن بنده در این نشست بررسی مطالبات اجتماعی زنان در دوره مشروطه، به عنوان مهم‌ترین دوره تجددگرایی در جامعه ایران است، گفت: آن چیزی که از آن به عنوان دوره مشروطه یاد می‌کنیم دوره‌ی زمانی ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۰ شمسی است. و در سیر تفکرات تجددخواهی جامعه ایران، نخستین دوره تجددگرایی است و نخستین دوره‌ای است که زنان ایرانی در آن به طرح مطالبات اجتماعی ساختارمند خودشان پرداختند.

وی در ادامه گفت: این زنان ساختار مطالبات اجتماعی خودشان را در چهار حوزه ترسیم کردند: حوزه نخست، مطالبات آموزشی بود. از لحاظ اجتماعی شاخص‌ترین و بارزترین مطالبه، مسئله‌ی حق تحصیل و ایجاد دبستان دخترانه برای زنان بود. امری که تا ۱۲۸۵ خورشیدی در جامعه ایران ممنوع بود، حتی نخستین زنانی که در ایران در دوره محمدعلی شاه قاجار به ایجاد دبستان دخترانه پرداختند به معنای واقعی کلمه با هجمه‌های محکمی از گفتارهای مردمدارانه‌ی جامعه خودشان مواجه شدند. البته این گفتمان‌های مردمدارانه همه از جانب مردان هم نبود، زنان سنتی هم بودند که در زمین گفتمان مردمداری بازی می‌کردند. دومین مطالبه، مطالبات سیاسی بود، که اصلی‌ترین مسئله در آن حق رأی بود. و تا ۱۳۴۱ خورشیدی این امر برای زنان در ایران تحقق پیدا نکرد. سومین مطالبه، مطالبات حقوقی بود که اختصاص به مسئله و نقش زن در خانواده، مسئله تعدد زوجات و مسئله طلاق بود، که در همان ظرف زمانی مطرح می‌شد. آخرین مطالبه، مطالبات اقتصادی بود، که مهم‌ترین آن‌ها تشکیل پارلمان‌ها و شوراهای مشورتی و انجمن برای زنان بود.

ابتدا به پرسش‌گری روی آوردند، از جامعه‌ی مردمدار خودشان پرسش را آغاز کردند، به صورت مثال در خصوص همین الفاظ سه‌گانه آن‌ها مطرح می‌کردند که:

صبا ز قول من این نکته را بپرس از مرد/ چرا ضعیفه در این مُلک نام من باشد

اگر ضعیفه منم از چه رو به عهده‌ی من/ وظیفه پرورش مرد پیلتن باشد

در گفتمان دیگر آن‌ها به این پرسش پرداختند که:

ز چیست که مرد شده منکر آدمیت ما/ به جامعه نپذیرد چرا معیت ما

کدام تیغ بریده رگ حَمیت ما/ کجاست غیرت و بیداری و زنیت ما

باغداردلگشا با بیان این‌که پاسخ‌های گفتمان

جامعه‌ی مردمدار به زنان زمینه‌ی انتقاد را باز کرد،

گفت: به طور مثال براساس قانون مجلس شورای ملی

در دوره‌ی مشروطه در سال ۱۲۸۵ دو گروه از حق

رأی محروم بودند: اول طایفه‌ی نِسوان و دوم دیوانگان

و مجانبین. این مسئله زمینه‌ی انتقاد را ایجاد کرد. آن

ها به ذکر این پرسش پرداختند که این قانون، قانونِ

مردانه‌ای است که برای زنان نوشته شده است، و عین

نابرابری اجتماعی است. زنان اشاره می‌کردند که:

چوقانون برزنان مردان نوشتند/ستم کردند و نامش داد دادند

اگر قانون‌گذاری با زنان بود/ به دیگر گونه قانون جهان بود

وی افزود: مردان مبارز هم در این راستا بسیار به

طرفداری از مطالبات زنان توجه می‌کردند، و در مرحله

ی آخر زنان به ارائه‌ی راه‌حل پرداختند. راه‌حلی که

ارائه دادند یک کلمه بود، علم‌اندوزی برای زنان. با دو

گروه مواجه بودند: اول زنان سنتی که مخالف حق

تحصیل برای زنان بودند که برای آن‌ها گفته می‌شد:

بکوش ای زن و بر تن ز علم جامه بپوش/ خوش آن

زمان که چُنین جامه‌ات به تن باشد

و دسته‌ی دیگر زنانی بودند که تنها ساختار مدرنیته‌ی

ظاهری غربی را در قالب آرایشگری گرفته بودند. در

خطاب به آنان نیز جمله‌ای می‌گفتند:

ذره‌ای علم اگر در وسط مغز بُود/ به که در کنج لب

دانه خال ای دختر

باغدار دلگشا با اشاره به این‌که بررسی مکتوب

نگاری‌های زنان در دوره‌ی مشروطه نشان دهنده‌ی این

است که زنان تنها در مطالبه‌ی آموزشی خودشان

کامیابی به دست آوردند، گفت: از زمانی که خیزش

مطالبات حق تحصیل برای زنان مطرح شد، تا سال

۱۲۹۵، یعنی ۱۰ سال مبارزه‌ی ساختارمند، زنان

توانستند به تشکیل وزارت معارف و تأسیس دبستان

های زنان بپردازند. وی در ادامه افزود: این کامیابی در

مطالبات سیاسی به هیچ‌وجه تحقق پیدا نکرد، و حتی

صحبت‌های بسیار محکمی در تضاد با این موضوع در

مجلس شورای ملی دوم و مجلس شورای ملی سوم در

خصوص ممنوعیت حق رأی زنان گفته می‌شد و دلیل

هم برداشت‌هایی بود که اشخاصی که در مجلس بودند

از روایات دینی به صورت گزینشی مستخرج کرده

بودند. مطالبات حقوقی نیز همین‌طور بود و اصلی‌ترین

عاملی که مخالفت را ایجاد می‌کرد همین مطالبات

حقوقی بود که حتی منجر به توقیف تعدادی از

نشریات زن‌نگار یعنی نشریاتی که زنان در دوره‌ی

قاجار منتشر می‌کردند هم شد. هر چند انجمن‌ها و

تشکل‌های زنان از جانب گفتمان مردمدار دوره‌ی قاجار

ممنوعیت پیدا کرده بود اما زنان تسلیم این ممنوعیت

نشدن و انجمن‌های مخفی و غیبی خودشان را

تشکیل دادند و این انجمن‌ها در تحقق برخی از

مطالبات، بسیار تأثیرگذار بود.

این پژوهشگر حوزه‌ی زنان با بیان این‌که زنان در

مواجهه با گفتمان مردمدار دوره‌ی قاجار، شیوه‌های

مبارزه‌ی متعددی را در پیش گرفتند، مانند شیوه‌ی

گفتمانی در مکتوب‌نگاری‌های خودشان، گفت: در زبان

زمانه‌ی مشروطه شما در نوشته‌ای که زنان را زن

خطاب بکنند، نمی‌بینید. در این مکتوب‌نگاری‌ها آنان با

الفاظی چون ذلیله و ضعیفه مورد خطاب قرار می

گرفتند. وی افزود: زنان در مبارزه با گفتمان‌های سنتی

جامعه‌ی خودشان ابتدا الفاظی مثل ذلیله و ضعیفه را

بدل به واژگانی چون مُخَدَّرَات و نِسوان کردند، و بعد از

آن کلماتی مانند زنان، بانوان و خواهران را در

مکتوبات خودشان به کار بردند، که این یک الگوی

ساختارمند قوی بود. وی ادامه داد: زنان در مکتوب

نگاری‌های خودشان از ضمیر ما و لفظ خواهران که

زمینه‌های اتحاد جمعی را فراهم می‌کرد به کرات

استفاده می‌کردند. آن‌ها در مواجهه‌ی با این ساختار

مردمدارانه در جامعه،

وی در جمع‌بندی آخر افزود: در مجموع مطالبات ساختارمند برای نخستین بار در دوران مشروطه آغاز شد. اصلی‌ترین مطالبه، مطالبه‌ی آموزشی بود که تحقق پیدا کرد. مطالبات دیگر مانند مطالبات حقوقی، سیاسی و اقتصادی هیچ‌گاه در دوره‌ی مشروطه تحقق پیدا نکرد و برخی از آن‌ها هنوز که هنوز است محل نزاع و گفت‌وگو است. به طور کلی، مسائل مربوط به زنان، مسائل زنانه نیست چون یک مسئله‌ی اجتماعی است. مسئله‌ی اجتماعی مردانه و زنانه ندارد، و در ابتدای امر همه‌ی ما باید خودمان را مجهز به سلاح تفکر انتقادی در معنی شناخت برای تغییر بکنیم، و در حقیقت اصل شایسته‌سالاری را مقدم بر نابرابری‌های اجتماعی بدانیم. شارل فوریه از مردان مدافع حقوق زنان در قرن ۱۸ در فرانسه می‌گفت هر کسی که به مسئله‌ی زنان می‌پردازد در حقیقت به فکر کل جامعه است، زیرا که فردای جامعه در دامن زن پرورنده می‌شود.

بررسی جایگاه مطالبات زنان در اسلام

دکتر ناهید مشایی با اشاره به این‌که مطالبات زن در اسلام با زنان در جوامع اسلامی که تا کنون بوده، فرق دارد، گفت: ما می‌خواهیم بحث زنان و حقوق زنان را در جامعه‌ی اصیل اسلامی و صدر اسلام از زمان ظهور پیامبر اکرم (ص)، تا زمانی که حدود دو قرن ائمه‌ی اطهار بودند را مورد بررسی قرار دهیم. هر چه امامت به دوره‌ی عباسیان نزدیک‌تر می‌شود اختناق افزایش پیدا می‌کند، و نقش اصیل جامعه‌ی اسلامی به خصوص تشیع کم‌رنگ می‌شود. این خفقان حتی به مردان مسلمان مبارز همچون ائمه و طرفداران‌شان اجازه نمی‌دهد که در جامعه به خوبی عمل کنند، و در نهایت زندگی‌شان به شهادت ختم می‌شود، و بعد هم به غیبت امام زمان منجر می‌شود. این اتفاقات و انحرافات که در جهات اعتقادی و سیاسی اتفاق افتاده و سبک زندگی اسلامی را متحول کرده در برخورد با زنان اجتماع هم به طور مستقیم نقش داشته و تاثیر گذاشته است. یعنی درواقع وضعی که در مورد زنان و برخوردهای تحقیرآمیزی که در مورد جنس زن حتی در جوامع اسلامی اتفاق افتاد، به دلیل تغییر منش اسلامی در رفتار افرادی که مسئولیت جامعه را بر عهده داشتند بود. اگر چه قالب افراد مسلمان هم بودند، ولی در واقع سبک اصیل زندگی اسلامی را پیاده نکردند.

از بین رفتن ارزش‌های والای معنوی زن و وارونه جلوه داده شدن سبک زندگی اسلامی به یکسری محدودیت‌های بسیار شنیع و غیرانسانی و غیراسلامی بود. همه فکر می‌کردند زن مسلمان یعنی زنی که هرگز حق حضور در اجتماع را ندارد، و از طرف دیگر، برخی زنان جامعه‌ی ما احساس کردند که اگر بخواهند مترقی و پیشرو باشند، باید مظاهر زنان جامعه‌ی غربی را در خودشان پیاده کنند.

ایشان در ادامه اضافه کردند که: این جدایی شدید دو فرهنگ یک اختلالی را در پیشرفت زنان اسلامی در دهه‌های حکومت محمدرضا پهلوی ایجاد کرد، به این شکل که حتی در این زمان زنان متدین مسلمان با این که دوست داشتند و زمینه برای رشد و پیشرفت‌شان از لحاظ تحصیل و آگاهی فراهم بود، اما باز عملاً در خانواده‌های مذهبی زنان بخاطر اینکه الزام می‌شدند به از بین بردن سبک اسلامی در پوشش گفتار و رفتار خودشان، در جامعه حضور پیدا نمی‌کردند. فتوای امام خمینی در زمانی که حق رأی به زنان داده شد در راستای همین بود که در این رأی دادن‌ها الگوهای زنی که داشت تبلیغ می‌شد، الگوی زن مطابق با سبک زندگی اسلام نبود، امام رأی دادن زنان را ممنوع دانستند و خلاف شرع اعلام کردند. همان امام بعد از انقلاب اسلامی که این آزادی برای زنان مسلمان اجرا شد و همه توانستند در جامعه حضور پیدا کنند، بر وجوب شرکت زنان در انتخابات و حق رأی آنان فتوا دادند. مطالبه‌گری زنان در حقوق خودشان همیشه در اسلام بوده منتها با شرایطی که آن ارزش‌های معنوی و والای زن از بین نرود.

مشایی افزود: مطالبات زنان در اسلام، در دو حیطة از جانب خداوند ارائه شده: اول در حیطة خانواده و دوم هم در حیطة اجتماع. که هر کدام شامل حقوقی می‌شوند. در حیطة خانواده شامل حقوق مادی و معنوی است، که حقوق معنوی تأکیدش در اسلام بسیار بالا است. و در حیطة اجتماع شامل مطالبات مختلف سیاسی، علمی، امنیتی است. در اسلام بسیار مهم است که زنان از نظر مادی، جسمی و جنسی امنیت داشته باشند.

ایشان با بیان این‌که ظهور اسلام، با آگاهی دادن و تساوی در ارزش‌ها برای زن و مرد شروع به فعالیت می‌کند، و نمونه‌ی این تغییر جریان را در حدیثی از پیامبر (ص) می‌توان دید «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» گفتند: ادامه‌ی حدیث و مسلمة دارد، یعنی شاید شما بارها این حدیث را بدون لفظ مسلمة دیده باشید، اگر هم این حدیث را مطلق بگیریم بدون عطف و مسلمة، باز هم از باب این‌که قانون زبان و ادبیات عربی زن و مرد را در یک کنار می‌آورد و ضمیر مذکر اگر به کار برده شد، الزاماً مردان نیستند، و هم زنان و هم مردان می‌توانند در این حدیث جای بگیرند. پیامبر و مسلمة را با تأکید فرمودند، که می‌خواستند تأکید کنند که در این باب زن و مرد مساوی هستند. تعداد کمتری و مسلمة را تکرار کردند و مسلم را آوردند، این نشانه‌ی این است که در تفکر انحراف از سبک زندگی اسلامی، افراد حتی در بیان احادیث هم تصرف کردند، و قسمتی از حدیث را نادیده گرفتند.

ایشان در ادامه افزودند: ما در صدر اسلام وقتی نگاه می‌کنیم، به حضرت زهرا(س)، به مادر ایشان حضرت خدیجه(س)، در برخورد پیامبر با همسر گرامی‌شان و زنان جامعه و قوانین قرآن متوجه مطالبه‌گری زنان و حقوق مختلفی که ارائه شده، می‌شویم. منتها در طول تاریخ بعد از انحرافات سیاسی و اعتقادی که در جامعه‌ی اسلامی اتفاق افتاد همین انحرافات در برخورد با زنان هم اتفاق افتاد، و ما می‌بینیم قرن‌ها جامعه‌ی اسلامی هم دچار این اختلال شدید می‌شود. وقتی که در مشروطه اقدام می‌شود در مورد مطالبات زنان، جامعه‌ی ایران اسلامی، این مطالبه‌گری شروعش با جامعه‌ی غربی است و زنان مسلمان ایرانی جرأت نداشتند، و یا فرصتی به آن‌ها داده نشده بود و لذا با دوران تجددخواهی همگام می‌شوند، و خواسته‌ی خودشان را ارائه می‌دهند.

دکتر مشایی با بیان این‌که کشف حجاب در دوره‌ی رضاخان با سبک زندگی اسلامی منافات داشت، گفتند: اسلام تحصیل و آگاهی و همه‌ی ارزش‌های انسانی برای زن را در کنار ارزش‌های معنوی لازم می‌داند و توصیه می‌کند. اما متأسفانه در این دوره زنان از لذات معنوی از پوشش‌های معنوی خودشان بازمانده شدند. اگرچه محمدرضا پهلوی کار پدرش رو ملغی کرد، و اجازه حضور زنان باحجاب را داد، اما پیامد این،

این امنیت‌ها که در اسلام توصیه شده، متأسفانه بسیاری از آن امروز در جریانات فمینیستی در غرب پیاده نمی‌شود، و باور کنید هنوز مطالبه‌گری زنان به شکل واقعی و حقیقی خودش در غرب شروع نشده است. زنان تازه امروز دارند متوجه می‌شوند که باید در مورد شرف، گوهر و ارزش‌های وجودی خودشان مطالبه‌گری داشته باشند.

ایشان در آخر گفتند: مطالبات باید براساس شایسته‌سالاری و حق‌سالاری باشد، نه مردسالاری یا زن‌سالاری. در اساس خلقت خداوند در قرآن می‌گوید زن و مرد با هم آفریده شدند، از یک گوهر وجودی و هیچ کدام تَقَدُّم و تَأَخُّر در آفرینش ندارند. مطالبه‌گری در عالم دین اسلام مبتنی بر خلقت کامل خداوند در مورد هر دو موجود است منتها تفاوت‌های جنسیتی عامل از بین رفتن حقوق هیچ‌یک نمی‌شود، بلکه تفاوت‌های جنسیتی باعث می‌شود مقداری در شکل ارائه‌ی حقوق ما تفاوت قائل شویم. گاهی ما فکر می‌کردیم که فقط اسلام است که به تفاوت‌های جنسیتی قائل است و شاید این را هم حمل بر یک نوع ناعدالتی و تبعیض در وجودمان می‌دانستیم، اما امروز می‌بینیم که روان‌شناسان غربی هم به این تفاوت‌های جنسیتی در ظرائف خلقت اشاره کردند و مطالبه‌گری ما باید مطابق با قوانین اصلی خلقتمان باشد.



کتاب دختر خوب از این کارها نمیکند!

نفیسه پراهی
کارشناسی علوم سیاسی

نوشته‌ی دکتر لوییس پی. فرانکل ترجمه‌ی فرزانه خیرآبادی.

شاید در ابتدای امر به نظر برسد که کتابی کلیشه‌ای و تکراری را پیش رو داریم. ولی کافی است مقدمه‌ی کتاب را خوانده و متوجه بشویم که برای موفقیت هر زنی که جملاتی از قبیل "بازار کار فقط برای مرد هاست" و "درس میخوانی که مدرکت را به دیوار بچسبانی" و ... باور دارد لازم است.

کتاب پیش رو برای زنان موفق و دارای اعتماد به نفس کافی لازم نیست و همچنین بانوانی که اصلاً خودشان باید بروند و کتاب بنویسند! این را من نمیگویم نویسنده‌ی کتاب در مقدمه مطرح میکند. پس برای چه افرادی میتواند مفید باشد؟ گروه اول را که در سطرهای بالاتر ذکر کردم و گروه دوم آن دسته از بانوانی هستند که بر خلاف گروه اول از آن طرف بوم افتاده‌اند و با پرخاشگری و رفتارهای گستاخانه می‌خواهند مسند ریاست و موفقیت را به دست آورند.

این کتاب ۹۸ اشتباهی که از کودکی به ما آموزش داده شده تا مورد پذیرش باشیم و باب طبع جنس مخالف واقع شویم را مطرح میکند و برای اصلاح این اشتباهات راهکار ارائه میدهد.

تاحدی میتوان گفت هنجارشکن است و تابوهایی را که عمری به آن‌ها به عنوان الگوی درست زندگی اعتقاد داشتیم میشکند. از جمله الگویی که همیشه به دختران از کودکی آموزش داده میشود این است که "آرام و متین باشید و با صدای آهسته صحبت کنید".

بنابراین اگر شما هم مانند گروه اول هستید و فقط برای اخذ مدرک و چسباندن آن به دیوار به قصد درآوردن چشم خانواده‌ی همسر آینده تحصیل میکنید و به بازار کار فکر نمیکنید و یا اگر فکر میکنید ولی لیاقت رسیدن به شغل دلخواه را در خودتان نمیبینید حتماً این کتاب را مطالعه کنید باشد که مسیر تفکر تان به جهات مثبت تغییر کند



دیدار جمعی از اعضای هیئت تحریریه نشریه‌ی ایراندخت با سرکار خانم بتول گندمی عضو شورای شهر مشهد
۱۷ آبان ۹۶

توضیحات سرکار خانم مصیبی سردبیر و مدیرمسئول ماهنامه‌ی ایراندخت در دیدار با خانم گندمی عضو شورای شهر مشهد، در خصوص مشکلات و مطالبات زنان مشهد



عکاس: مریم رحیم زاده

آدرس: مشهد، بلوار فلسطین،
فلسطین ۱۸، پارک : ۹ و ۱۴
شم
۰۵۱-۳۷۶۱۳۵۶۵ ۰۵۱-۳۷۶۶۹۹۶
www.rahpouyandegan.com

راه پوندگان

مرکز تخصصی زبان های خارجی
مرکز مشاوره و آموزش

دوره های ترمیک زبان های خارجی

برگزاری دوره های آمادگی آزمون های ملی و بین المللی

IELTS, TOEFL, GRE, GMAT
MSRT, TOLIMO, TELP, YOS



اخبار و اعلان های خانه نشریات



ارشیو کامل نشریات دانشجویی



نحوه دریافت حمایت مالی



نحوه درخواست مجوز نشریه



نحوه شرکت در جشنواره نشریات

UM

نحوه ثبت ارشیو نشریه

مشهد

اسناد و آئین نامه ها

دستور العمل نشریات دانشگاهی



اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

لیست نشریات فعال

sanad.um.ac.ir

در سایت سند



ارشیو بروز نشریات دانشجویی

